

ضمانت اجرای تخلف از شرط عدم ازدواج مجدد در عقد نکاح

فخرالدین اصغری آقمشهدی* - محمدباقر اصغری آقمشهدی**

چکیده

در فقه اسلامی تعدد زوجات برای شوهر پذیرفته شده است که این امر در حقوق موضوعه ایران نیز به پیروی از فقه مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است. (ماده ۹۴۲ قانون مدنی). از این رو، ممکن است زوجه در هنگام ازدواج در ضمن عقد شرط کند که شوهر ازدواج مجدد نکند. فقیهان در خصوص صحت یا عدم صحت چنین شرطی اختلاف نظر دارند. برخی این شرط را باطل و مبطل عقد نکاح می‌دانند. برخی فقیهان شرط را باطل ولی نکاح را صحیح می‌دانند. عده‌ای از آن‌ها نیز شرط را صحیح می‌دانند. این گروه از فقیهان در خصوص ضمانت اجرای تخلف از شرط مزبور با یکدیگر اختلاف نظر دارند. به نظر برخی از آن‌ها در صورت ازدواج مجدد شوهر، ازدواج مزبور صحیح است. گروهی دیگر ازدواج مزبور را باطل می‌دانند. مؤلفین حقوقی نیز در این خصوص اختلاف نظر دارند. مقاله‌ی حاضر شرط عدم ازدواج مجدد را با استناد به عموماتی نظیر المؤمنون عند شروطهم و روایات خاص صحیح دانسته و ضمانت اجرای تخلف از آن را الزام شوهر به طلاق زوجه دوم می‌داند.

کلیدواژه: شروط باطل، ازدواج مجدد، فسخ نکاح، جبران خسارت

مقدمه

تعدد زوجات از دیرباز در جوامع مختلف رواج داشته است. (تاریخ تمدن / ۵۰). در ایران باستان اصل تعدد زوجات اساس خانواده به شمار می‌رفت و تعداد زنانی که مرد می‌توانست

* دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، عهده‌دار مکاتبات fasgharia@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق دانشگاه ملی مالزی (UKM)

تاریخ وصول: ۸۹/۱۰/۳ - پذیرش نهایی: ۹۰/۹/۱۲

داشته باشد به نسبت توانایی مالی او بود و اغلب مردان بی‌بضاعت نمی‌توانستند بیش از یک زن داشته باشند. (ایران در زمان ساسانیان/۳۲). در میان عرب جاهلیت نیز تعدد زوجات رواج داشت و محدود به تعداد مشخصی نبود. (نظام حقوق زن در اسلام/۳۴۲). تعدد زوجات در فقه اسلامی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتن ان لا تعدلوا فواحدة أو ما ملکت أیمانکم ذلک أدنی الا تعولوا» (نساء/۳). می‌توانید از زنان پاکیزه تا چهار زن اختیار کنید ولی اگر خوف آن دارید که بین آن‌ها به عدالت رفتار نکنید به یک زن اکتفا کنید که این امر نزدیک‌تر است به این‌که از عدالت دور نیفتید و بر زن‌ها ظلم نکنید. مشروط شدن ازدواج مجدد به قدرت اجرای عدالت دلالت دارد بر این‌که ازدواج مجدد در اسلام به عنوان استثنا و راه حل پاره‌ای مشکلات اجتماعی قابل قبول است. (نظام حقوق زن در اسلام/۳۹۰).

با توجه به مطالب مذکور در فوق، می‌توان گفت تعدد زوجات از پیشنهادها و ابتکارات اسلام نیست و با حکم الهی ایجاد نشده است؛ بلکه امری که از قبل موجود بوده مورد پذیرش قرار گرفته و در عین حال تعداد آن به چهار محدود شده است. (نظام حقوق زن در اسلام/۳۲۶). به عبارت دیگر، تعدد زوجات از احکام امضایی شارع است.

در حقوق موضوعه ایران نیز تعدد زوجات به تبعیت از فقه مورد پذیرش قرار گرفته است. قانون مدنی در ماده‌ی ۹۴۲ مقرر می‌دارد: «در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه‌ی آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود». عبارت «در صورت تعدد زوجات» دلالت بر جایز بودن ازدواج مجدد از نظر قانون دارد. ماده‌ی ۱۰۴۹ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه‌ی زن خود».

چنان‌که ملاحظه شد زوج می‌تواند با لحاظ شرایطی ازدواج مجدد کند. حال اگر زوجه در هنگام ازدواج برای جلوگیری از زوج از چنین اقدامی در آینده، شرط عدم ازدواج مجدد کند، آیا چنین شرطی صحیح است. در صورت صحت شرط، ضمانت اجرای آن، چه خواهد بود. در مقاله حاضر پس از بیان معنای شرط و اقسام آن، به بررسی موضوع در فقه پرداخته و سپس به بررسی آن در حقوق موضوعه ایران می‌پردازیم:

۱- اقسام شرط

شرط را به اعتبارهای گوناگونی تقسیم می‌کنند. شرط به اعتبار چگونگی بیان اراده به شرط صریح و ضمنی، به اعتبار شیوه‌ی ارتباط با عقد به شرط ضمن عقد و خارج از آن (ابتدایی) و به اعتبار نفوذ آن به شرط صحیح و باطل تقسیم می‌شود. شروط باطل خودشان به دو دسته تقسیم می‌شوند: شروط باطل غیرمبطل و شروط باطل مبطل. به موجب ماده‌ی ۲۳۲ قانون مدنی شروط باطل غیرمبطل عبارتند از ۱- شرط بدون فایده ۲- شرط غیرمقدور ۳- شرط نامشروع. به موجب ماده‌ی ۲۳۳ شروط باطل مبطل عبارتند از شرط خلاف مقتضای ذات عقد و شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود. تقسیم دیگر شرط، تقسیم آن به اعتبار موضوع آن است که از این حیث به شرط صفت، نتیجه و فعل تقسیم می‌شود. به موجب ماده‌ی ۲۳۴ قانون مدنی شرط صفت عبارت است از شرط راجعه به کیفیت یا کمیت مورد معامله. شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود که در این صورت، اگر حصول نتیجه موقوف به سبب خاصی نباشد، به نفس اشتراط حاصل می‌شود. (ماده‌ی ۲۳۶ قانون مدنی). به موجب قسمت اخیر ماده‌ی ۲۳۴ قانون مدنی شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود. با توجه به تعریف مزبور شرط فعل یا مثبت است و یا منفی و عمل یا کاری که موضوع شرط قرار می‌گیرد، ممکن است مادی باشد و یا حقوقی. شرط عدم ازدواج مجدد که مورد بحث این پژوهش است، شرط فعل منفی حقوقی است.

شایان ذکر است چنان‌که در صورت تردید در صحت یا بطلان یک عقد، اصل بر صحت آن است مگر این‌که فساد آن معلوم شود. (ماده‌ی ۲۲۳ قانون مدنی). همین اصل را در خصوص شروط نیز می‌توان جاری کرد. یعنی، اصل بر صحت شرط است مگر این‌که فساد آن معلوم شود. این اصل را می‌توان از عموماتی چون «المؤمنون عند شروطهم الا ما خالف کتاب الله» به‌دست آورد. به موجب نبوی مزبور، هر شرطی الزام‌آور است مگر این‌که ثابت شود خلاف کتاب خداست. مؤلفین حقوقی نیز با توجه به این‌که شرط ضمن عقد یکی از توابع عقد است و نفوذ خود را از آن می‌گیرد، اصل صحت قراردادها را شامل شروط ضمن آن نیز می‌دانند و این امر را یکی از مبانی اصل آزادی قراردادها و احترام به عهد و پیمان می‌دانند. (قواعد عمومی قراردادها ۳/۱۶۱؛ دوره حقوق مدنی ۲/۲۱۰). در فقه اهل سنت نیز اصل صحت در شروط جاری می‌شود. البته، از نظر ابن حزم اندلسی هر شرطی فاسد است مگر این‌که دلیلی بر جواز آن در شرع موجود باشد. (به نقل از: شرط عدم ازدواج مجدد در

ضمن عقد زناشویی/۷۹). در حقوق ایران نیز با توجه به این که قانون گذار شروط باطل را بر شمرده است، اصل بر صحت شرط است مگر این که ثابت شود جزو شروط باطل است.

۲- ضمانت اجرای تخلف از شرط عدم ازدواج مجدد در فقه

از آن جا که بررسی ضمانت اجرای تخلف از شرط عدم ازدواج مبتنی بر است که شرط مزبور صحیح باشد، بحث از صحت یا بطلان چنین شرطی ضروری است. از این رو، ابتدا باید اعتبار آن مورد بررسی قرار گیرد و سپس به بررسی ضمانت اجرای تخلف از آن پرداخته شود.

۲- ۱- بررسی اعتبار شرط عدم ازدواج مجدد

در خصوص اعتبار شرط ترک ازدواج مجدد بین فقیهان اختلاف نظر وجود دارد. اکثر فقیهان آن را باطل و برخی فقیهان آن را صحیح می دانند که در ذیل به بررسی این نظرات می پردازیم:

۲- ۱- ۱- بطلان شرط عدم ازدواج مجدد

چنان که گفته شد اکثر فقیهان شرط عدم ازدواج مجدد را باطل می دانند. این گروه برای اثبات نظر خود به دلایلی استناد کرده اند که در ذیل به بررسی آن ها می پردازیم:

الف - عدم موافقت با شرع

برخی فقیهان اهل سنت (الشرح الکبیر/۱۴/۷) با اشاره به حدیث پیامبر (ص) که فرمودند: «کل شرط لیس فی کتاب الله فهو باطل و ان شرط مأه.» (الصحيح/۹۳۴). هر شرطی که در کتاب خدا نباشد، باطل است، گرچه صد شرط باشد، می گویند با توجه به این که شرط عدم ازدواج مجدد در کتاب نیامده، باطل است. در برخی روایات وارده از طریق امامیه نیز بر لزوم موافقت شرط با کتاب تأکید شده است. ابن سنان از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت فرمودند: «من اشترط شرطاً مخالفاً لکتاب الله فلا يجوز له و لا يجوز علی الذی اشترط علیه و المسلمون عند شروطهم ممّا وافق کتاب الله عزّ و جلّ» (وسائل الشیعه/۱۶/۱۸). با توجه به روایت مزبور، هرگاه شرط در کتاب خدا نباشد، لازم الوفا نخواهد بود. لکن چنان که برخی فقیهان گفته اند منظور از موافقت با کتاب، عدم مخالفت با آن است.

اجماعی بودن عدم لزوم موافقت شرط با کتاب (المکاسب/۲۲۸) و صدر روایت که امام فرمودند: من اشترط شرطاً مخالفاً لکتاب الله فلا يجوز له و لا يجوز علی الذی اشترط علیه به قرینه مقابله مؤید نظر مزبور است. از طرفی، اگر شرط مخالف با کتاب نباشد به ناچار با یکی از عمومات و یا اطلاعات وارده در کتاب و سنت موافق خواهد بود. (منیه الطالب/۱۰۳/۲). نظیر این بحث در لزوم مطابقت قوانین مصوب مجلس با موازین شرعی مطرح است که منظور این است که مصوبات مزبور نباید مخالف موازین شرعی باشند.

ب - مخالفت شرط با شرع

برخی فقیهان امامیه (النهایه/۷۴-۴۷۳؛ جامع المقاصد / ۱۳ / ۳۸۷؛ قواعد الاحکام/۲/ ۳۸؛ شرح للمعه/۵/۳۶۲) و اهل سنت (به نقل از: الشرح الکبیر/۷/۱۴) شرط عدم ازدواج مجدد را مخالف با کتاب و مشمول مستثنای «المسلمون عند شروطهم الا کل شرط خالف کتاب الله» (مستدرک الوسائل / ۱۳ / ۳۰۰) و «المؤمنون عند شروطهم الا شرطاً حراماً حلالاً او احلاً حراماً» دانسته و آن را باطل می‌دانند. با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع.» (نساء/۳)، مرد می‌تواند تا چهار زن اختیار کند و بنابراین، شرط خودداری از ازدواج مجدد خلاف کتاب است.

طرف‌داران استدلال مذکور در فوق با این اشکال مواجه هستند که ازدواج مجدد امری مباح برای زوج است نه واجب و ترک مباح از نظر شرعی با مانعی مواجه نیست. زوج چنان‌که بدون شرط می‌تواند از ازدواج مجدد خودداری کند، خودداری از آن با شرط نیز بدون اشکال است و مستلزم تحریم حلال نخواهد بود. البته، اگر شرط شود که ازدواج مجدد حرام باشد، مستلزم تحریم حلال بوده و قطعاً باطل خواهد بود. هم‌چنین اگر شرط ترک مباح مستلزم تحریم حلال باشد، کلیه شروط ضمن عقد باطل خواهد بود و دیگر مصداقی برای شروط صحیح باقی نمی‌ماند. (تحریر المجله / ۷۶). در پاسخ به این اشکال گفته شده است که گرچه ازدواج مجدد امری مباح بوده و خودداری از آن مخالف با کتاب نیست اما التزام به ترک آن مستلزم تحریم حلال خواهد بود. (بغیه الطالب / ۱۶۸-۱۶۷؛ المکاسب/۲۷۷). پاسخ مزبور صحیح به نظر نمی‌رسد. چه آن‌که التزام به ترک مباح گاهی اوقات به ترک مصداقی از آن و یا به ترک آن به صورت مطلق و در برهه‌ای از زمان است که این امر هیچ اشکالی نداشته و مخالف با کتاب نخواهد بود. اما در صورتی که التزام به ترک مباح به صورت نوعی و برای همیشه باشد، مستلزم تحریم حلال خواهد بود. (الفقه/۶۷/۶۹؛ منیه الطالب/۲/۱۰۵). بنابراین، التزام به ترک مباح در صورتی مستلزم تحریم حلال خواهد بود که دو شرط محقق

باشد: ۱- مشروط، ترک نوع مباح باشد نه یکی از مصادیق آن و به طور جزئی ۲- شرط ترک، دائمی باشد نه موقت. در نتیجه، اگر مورد اشتراط ترک یکی از موارد مباح باشد حتی به طور دائمی اشکالی ندارد. (القواعد الفقهیه/۳/۲۳۳-۲۳۱). در روایت نیز آمده است سوگند به ترک شرب آب میوه برای همیشه به دلیل ملازمه داشتن با تحریم حلال، باطل است. (منیه الطالب/۲/۱۰۵).

شایان ذکر است که برخی فقیهان التزام به ترک مباح را حتی برای همیشه جایز می‌دانند. (عوائد الایام/۳۹).

ج - روایات خاص

یکی از دلایل طرفداران بطلان شرط عدم ازدواج مجدد روایاتی است که در خصوص موضوع مورد بحث وجود دارد. در این جا به ذکر یک روایت بسنده کرده و به نقد و بررسی آن می‌پردازیم. محمد بن قیس از امام باقر (ع) درباره‌ی مردی سؤال کرد که با زنی ازدواج کرده و به نفع زن شرط کرد که چنانچه از آن زن کناره‌گیری کرده یا با زن دیگری ازدواج کرده و یا کنیزی برای معاشقه اختیار کرد، آن زن مطلقه باشد. امام باقر (ع) این گونه حکم کرد که شرط و حکم خداوند بر شرط و تعهد شما مقدم است. بنابراین، شوهر در صورت تمایل می‌تواند به آن شرط وفا کند و یا زن او را نگاه داشته و در عین حال ازدواج مجدد کند و یا کنیزی به عنوان معاشقه انتخاب کند. (وسائل الشیعه/۱۵/۴۷-۴۶).^۱ چنان که ملاحظه می‌شود امام (ع) شرط مزبور را لازم الوفا ندانسته است.

در پاسخ می‌توان گفت بطلان شرط به این دلیل نبوده که شرط عدم ازدواج مجدد باطل است بلکه به این دلیل بوده است که وقوع طلاق به صورت شرط نتیجه بوده است و بدیهی است که طلاق نیاز به سبب خاص (صیغه طلاق و ...) دارد و با شرط نتیجه واقع نمی‌شود. (البیع/۵/۱۷۳). در نتیجه، روایت مزبور دلیل بر بطلان شرط عدم ازدواج مجدد نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- محمد بن قیس عن الباقر (ع) فی رجل تزوج امرأه و شرط لها ان هو تزوج علیها امرأه أو هجرها أو اتخذ علیها سریه فهی طالق ففضی فی ذلک ان شرط الله قبل شرطکم فإن شاء وفی لها ما یشرط و ان شاء امسکها واتخذ علیها و نکح علیها .

شایان ذکر است فقیهانی که شرط عدم ازدواج مجدد را باطل می‌دانند، در خصوص این که آیا بطلان شرط مزبور موجب بطلان عقد نکاح نیز می‌شود یا خیر، اختلاف نظر دارند. اکثریت این دسته از فقیهان آن را موجب بطلان عقد نمی‌دانند. (الوسیله الی نیل الفضیله/ ۲۹۷؛ جامع المدارک/ ۴/ ۴۱۵؛ تفصیل الشریعه/ کتاب النکاح/ ۴۶۰؛ شرایع الاسلام/ ۵۵۱). برخی از این گروه فقیهان با این که بطلان شرط را در سایر عقود موجب بطلان عقد می‌دانند؛ اما در خصوص عقد نکاح بطلان شرط را به دلیل اجماع موجب بطلان عقد نمی‌دانند. (جامع المقاصد/ ۳/ ۳۸۷؛ جامع الشتات/ ۲/ ۱۹-۱۸). در مقابل، برخی فقیهان، هم شرط را باطل می‌دانند و هم عقد را. یکی از فقیهان (الفقه/ ۶۷/ ۵۷)، دو دلیل برای تقویت این احتمال اقامه کرده و به هر دو دلیل اشکال وارد کرده و در نهایت، آن را رد کرده است. دلایل مزبور عبارتند از:

۱- عقد نکاح، مشروط به شرط شده است و شرط چیزی است که از وجود آن وجود مشروط لازم نمی‌آید ولی از عدم آن عدم مشروط لازم می‌آید. وقتی شرط منتفی شد مشروط نیز منتفی می‌شود چنان که انتفای وضو موجب منتفی شدن نماز می‌شود.

در پاسخ به استدلال مذکور در فوق می‌توان گفت منظور از شرط در محل بحث ما الزام و التزام در ضمن عقد است و هنگامی که التزامی باطل باشد موجب بطلان التزام دیگر نخواهد شد. زیرا، ملازمه‌ای بین آن‌ها وجود ندارد. در واقع، در این جا بین شرط فقهی و اصولی خلط شده است. معنای اصولی شرط در این جا منظور نیست. (الفقه/ ۶۷/ ۵۸-۵۷).

۲- قصد زوجه به نکاح مقید به شرط تعلق گرفته است. با انتفای قید، مقید نیز منتفی می‌شود. در جواب به این اشکال می‌توان گفت که قصد به عقد مقید به شرط تعلق نگرفته است بلکه به مجموع عقد و شرط به صورت تعدد مطلوب و دو التزام مجزا تعلق گرفته است. در این صورت، با بطلان شرط سقوط یک مطلوب، تعلق قصد به مطلوب دیگر یعنی، عقد منتفی نمی‌شود. (الفقه/ ۶۷/ ۵۸؛ جامع المدارک/ ۴/ ۴۱۵).

۲-۱-۲- صحت شرط عدم ازدواج مجدد

حنابله (الكافی فی فقه ابن حنبل/ ۳/ ۳۹؛ منار السبیل/ ۲/ ۱۱۴؛ زاد المستقنع/ ۱/ ۵۲۴؛ الشرح الكبير/ ۷/ ۵۲۶)^۱ و برخی فقیهان امامیه (الفقه/ ۶۷/ ۵۶؛ عوائد الایام/ ۴۹؛ فقه الصادق/

۱- «و لنا قول النبی (ص) ان احق ما وفیتیم به الشروط ما استحللتم به الفروج. رواه سعید و هو متفق علیه و قول النبی (ص) المسلمون علی شروطهم و لانه قول من سمینا من الصحابه و لا یعرف لهم مخالف فی

۲۰/۲۲؛ البیع/۵/۱۷۰؛ حکیم، منهاج الصالحین/۲/۳۰۲؛ تحریر المجله/۷۶؛ خوبی/ منهاج الصالحین/۲/۲۸۱). شرط عدم ازدواج مجدد را صحیح می‌دانند. عمومات و روایات خاصی که در این خصوص وارده شده است، مؤید نظر مزبور است که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

الف - عموم «المؤمنون عند شروطهم»

عموم «المؤمنون عند شروطهم» شامل شرط عدم ازدواج مجدد می‌شود و دلیلی که آن را تخصیص زده و از دایره‌ی شمول عام مزبور خارج کند، وجود ندارد. (الفقه/۶۷/۶۳؛ شرط ترک ازدواج مجدد در عقد نکاح/۵۳؛ الشرح الکبیر/۷/۵۲۶). در مبحث قبلی نیز بیان شد که شرط مزبور مخالف شرع نیست.

ب - روایات خاص

در مورد شرط ترک ازدواج مجدد روایاتی وجود دارد که دلالت بر صحت چنین شرطی دارد. در ذیل به نقل دو مورد بسنده می‌کنیم:

۱- محمد بن مسلم عن احدهما (ع) فی الرجل یقول لعبدہ اعتقتک علی ان ازوجک ابنتی فان تزوجت او تسریت علیها فعلیک ماہ دینار فاعتقه علی ذالک و تسری او تزوج قال علیه شرطه (وسائل الشیعه/۱۵/۴۶). محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره‌ی مردی سؤال کرد که به عبد خود می‌گوید تو را با این شرط آزاد می‌کنم که با دختر من ازدواج کنی و در صورتی که همسری دیگر یا کنیزی برای معاشقه اختیار نمایی باید یکصد دینار پردازی. آن مرد همسر دیگری اختیار کرد. امام (ع) فرمود باید به شرطش عمل کند. چنان که ملاحظه می‌شود امام (ع) شرط عدم ازدواج مجدد را صحیح دانسته و حکم فرمودند که مشروط علیه باید به شرط خود عمل کند.

۲- خبر بزرگ المروی عن الکافی قلت لابی الحسن موسی (ع) و انا قائم جعلنی الله فداک ان شریکاً لی کانت تحتہ امرأه فطلقها فبانث منه فاراد مراجعتها فقالت المراه لا والله لا

عصرهم فكان اجماعاً و روی الثرم باسناده ان رجلاً تزوج امرأه و شرط لها دارها ثم اراد نقلها فخاصموه الى عمر فقال لها شرطها فقال الرجل اذا يطقنا فقال عمر مقاطع الحقوق عند الشروط و لانه شرط له فيه منفعه و مقصود لا يمنع المقصود من النكاح فكان لازماً».

۱- البته، فقیه مزبور در تحریر الوسیله شرط عدم ازدواج مجدد را صحیح نمی‌داند. (تحریر الوسیله/۲/۳۰۲).

اتزوجک ابدأً حتی تجعل الله لی علیک ان لا تطلقنی و لا تتزوج علی قال: و قد فعل؟ قلت نعم قد فعل جعلنی الله فداک قال بئس ما صنع و ما کان یدریه ما یقع فی قلبه فی جوف اللیل او النهار ثم قال اما الان فقل له فلیتم للمراه شرطها فان رسول الله (ص) قال: المسلمون عند شروطهم (وسائل الشیعه/ ۳۰/ ۱۵) بزرج می‌گویند به امام موسی کاظم (ع) عرض کردم دوستم همسر خود را طلاق داد. وقتی قصد رجوع به او را داشت همسرش گفت هرگز با تو ازدواج نمی‌کنم مگر این که دیگر مرا طلاق ندهی و با داشتن من زن دیگری اختیار نکنی. امام فرمود آیا او این چنین کرد. عرض کردم، بلی. امام فرمود کار بدی کرده است. او چه می‌داند که در آینده در قلب خودش چه واقع خواهد شد اما حال که چنین شرطی کرده است، باید به آن وفا کند. چه آن که رسول خدا (ص) فرمودند: مسلمانان باید به شروط خود پایبند باشند. چنان که ملاحظه می‌شود در این روایت نیز شرط عدم ازدواج مجدد صحیح و لازم‌الوفا دانسته شده است.

شایان ذکر است که قائلین به بطلان شرط ترک ازدواج مجدد با ملاحظه روایاتی که چنین شرطی را صحیح می‌دانند، در صدد جمع بین دو دسته روایات برآمدند. اینان روایاتی را که شرط مزبور را صحیح می‌دانند، به دلیل موافقت آن‌ها با فقیهان اهل سنت حمل بر تقیه کردند. (جواهر الکلام/ ۳۱/ ۹۸؛ استبصار/ ۲/ ۲۳۲). اما چنان که سابقاً گذشت اولاً، روایات دسته‌ی اول دلالتی بر بطلان شرط ترک ازدواج مجدد ندارد بلکه علت بطلان آن تحقق طلاق به صورت شرط نتیجه در صورت وقوع ازدواج مجدد و قرار دادن آن به عنوان مهریه بوده است. ثانیاً، به فرض که روایات مزبور دلالت بر بطلان شرط داشته باشند نظر به این که دلالت آن‌ها بر بطلان شرط به صورت ظهور و دلالت روایات دسته‌ی دوم به صورت نص می‌باشد، روایات دسته‌ی اول را باید حمل بر کراهت چنین شرطی کرد. (الفقه/ ۶۷/ ۶۰). ثالثاً، چنان که گذشت اکثریت اهل سنت (مالکیه، شافعیه و حنفیه) مانند مشهور فقیهان امامیه شرط ترک ازدواج مجدد را باطل می‌دانند و در نتیجه، حمل روایاتی که شرط مزبور را صحیح می‌دانند، بر تقیه درست نیست.

۲-۲- ضمانت اجرای تخلف از شرط عدم ازدواج مجدد

چنان که بیان شد شرط عدم ازدواج مجدد در ضمن عقد نکاح شرطی صحیح است. حال این سؤال مطرح می‌شود که ضمانت اجرای تخلف از آن چیست؟ روایاتی که دلالت بر صحت شرط عدم ازدواج مجدد دارند، در خصوص ضمانت اجرای تخلف از آن سخنی نگفته‌اند. از این رو، فقیهان در ضمانت اجرای تخلف از آن اختلاف نظر دارند که در ذیل به

بیان آن‌ها می‌پردازیم. البته، برخی فقیهان ضمن صحیح دانستن شرط ترک ازدواج مجدد و ملزم دانستن شوهر به اجرای آن، معتقدند در صورتی که شوهر تخلف کرده و ازدواج کند، ازدواج مزبور صحیح است و هیچ ضمانت اجرایی را برای تخلف از آن مطرح نساخته‌اند. (خوبی، منهاج الصالحین/۲/۲۸۱؛ فقه الصادق/۲۲/۲۰۰). نتیجه‌ی عملی این نظر لغو بودن شرط مزبور خواهد بود.

الف - بطلان ازدواج دوم

به نظر برخی فقیهان اگر زوج با وجود شرط ترک ازدواج مجدد اقدام به ازدواج کند، ازدواج مزبور باطل است. (استفتائات قضایی/۲/سؤال ۱۲۳۴؛ شرط ترک ازدواج مجدد در عقد نکاح/۵۶؛ مستمسک العروه الوثقی/۲/۴۳؛ حکیم، منهاج الصالحین/۲/۲۹۶).^۱ در توجیه بطلان ازدواج گفته شده است که مشروط علیه با پذیرش شرط ترک ازدواج مجدد، سلطنت و توان شرعی بر انجام هر نوع عملی را که منافات با انجام شرط داشته باشد، از خود سلب کرده است و در نتیجه، قدرت و توان بر ازدواج مجدد را از دست می‌دهد. از این رو، اگر ازدواج کند آن عقد در عالم اعتبار تشریحی ملغی و بی اثر خواهد بود. زیرا، الممتنع شرعاً کالممتنع عقلاً هنگامی که فردی امتناع تشریحی بر انجام فعلی دارد و قدرت و توان شرعی از او سلب شود، همانند کسی است که قدرت تکوینی از او سلب شده است. (شرط ترک ازدواج مجدد در عقد نکاح/۵۶-۵۵).

در نقد نظر مذکور در فوق، می‌توان گفت چه بسا زوجه بعد از ازدواج مجدد از سوی شوهرش راضی به بطلان ازدواج دوم نباشد چنان که قبل از ازدواج نیز می‌تواند شرط مزبور را اسقاط کند. از طرفی، بطلان ازدواج دوم به ضرر زوجه جدید است. زیرا، در صورت عدم تحقق زناشویی، مستحق هیچ مهری نخواهد بود و با تحقق عمل زناشویی، مستحق مهرالمثل خواهد بود و نه مهرالمسمی. هم‌چنین می‌توان گفت با شک در صحت و بطلان ازدواج دوم، اصل، عدم بطلان آن است. (الفقه/۶۷/۶۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- «و يجوز ان تشترط الزوجه على الزوج في عقد نكاح او غيره ان لا يتزوج عليها و يلزم الزوج العمل به بل لو تزوج لم يصح تزويجه».

ب- ایجاد حق فسخ نسبت به ازدواج اول

به نظر حنابله (الكافی فی فقه ابن حنبل/۳/۳۹؛ زاد المستقنع/۱/۵۲۴؛ الشرح الکبیر/۷/۵۲۶). ازدواج دوم که برخلاف شرط صورت پذیرفته است، صحیح بوده ولی زوجه می‌تواند ازدواج خود را فسخ کند. از سوی فقیهان امامیه چنین نظری ابراز نشده است و آن‌ها تخلف از شروط صحیح را در عقد نکاح موجب خیار نمی‌دانند. (تفصیل الشریعه/کتاب النکاح/۴۶۰؛ البیع/۲/۳۰۲). از آن‌جا که موارد فسخ نکاح محدود است، نظریه مزبور قابل قبول نمی‌باشد.

ج- الزام زوج به طلاق همسر دوم

برخی فقیهان (الفقه/۶۷/۶۹) ازدواج دوم را صحیح می‌دانند اما معتقدند که زوجه می‌تواند شوهر را به طلاق همسر دوم ملزم کند. چنان‌که اگر ضمن عقد نکاح شرط شود که شوهر همسر دیگرش را طلاق ندهد اما برخلاف شرط عمل کرده و او را طلاق دهد، طلاق مزبور صحیح است اما زوجه می‌تواند او را ملزم سازد که مجدداً با همسر سابقش ازدواج کند. از نظر فقیه مزبور وقتی شرط عدم ازدواج صحیحی باشد، ضمانت اجرای آن یا باید بطلان نکاح دوم باشد یا اجبار زوج به طلاق همسر دوم. از آن‌جا که بطلان نکاح مخالف اصل صحت است باید ضمانت اجرای دوم را پذیرفت.

۲- شرط عدم ازدواج مجدد در حقوق موضوعه ایران

نظر به عدم اشاره‌ی قانون‌گذار به وضعیت شرط ترک ازدواج مجدد، مؤلفین حقوقی در این خصوص اختلاف نظر دارند. برخی آن را باطل دانسته و گروهی دیگر آن را صحیح می‌دانند که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۲-۱- بطلان شرط ترک ازدواج مجدد

برخی مؤلفین حقوقی با استنباط از ماده‌ی ۹۴۲ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه که تعلق به زوجه دارد بین همه آنان بالسویه تقسیم می‌شود.» حکم تعدد زوجات را از قواعد آمره دانسته و شرط ترک ازدواج مجدد را به لحاظ مخالفت با قواعد امری و نامشروع بودن باطل می‌دانند. (حقوق مدنی/۴/۳۶۶).

۱- «فان شرط ... أن لا یتزوج علیها أو لا یتسرى فهو صحیح لازم فان وفی به و الا فلها الفسخ.»

در پاسخ به استدلال مذکور در فوق می‌توان گفت: ماده‌ی مزبور فقط تکلیف نحوه‌ی تقسیم ترکه‌ی متوفایی را که دارای چند زوجه است، بیان کرده است و از آن استفاده نمی‌شود که حق تعدد زوجات از قواعد امری است.

مؤلفی دیگر (شرح قانون مدنی/۹۷۶/۲) به دلیل روایات خاص شرط مزبور را باطل می‌داند. از آن‌جا که در بررسی فقهی موضوع مورد بحث جواب این استدلال داده شده است، ذکر مجدد آن ضرورتی ندارد.

یکی از مؤلفین حقوقی (حقوق مدنی (خانواده)/۲۶۹/۱) دلیل دیگری برای بطلان شرط مزبور ذکر کرده است. از نظر اینان شرط ترک ازدواج مجدد از مصادیق سلب حق اجرا به طور کلی است که با توجه به ماده‌ی ۹۵۹ قانون مدنی اعتباری ندارد. به موجب ماده‌ی مزبور «هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور کلی حق تمتع یا اجرای تمام و یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند».

در پاسخ می‌توان گفت شرط ترک ازدواج مجدد از مصادیق سلب حق اجرا به‌طور کلی نیست. چه آن‌که شرط به این صورت است که مادام که نکاح باقی است، زوج همسر دیگری اختیار نکند که در این صورت سلب حق اجرا برای مدت زمان زوجیت است. در واقع، سلب حق اجرا به صورت جزئی است که بلامانع است. البته، بدیهی است که اگر شرط شود زوج برای همیشه حتی بعد از فوت زوجه ازدواج نکند، سلب حق مزبور به‌صورت کلی بوده و باطل خواهد بود. از طرفی، می‌توان گفت چنین شرطی به دلیل مغایر بودن با حقوق راجع به شخصیت انسانی نیز باطل خواهد بود (جعفری لنگرودی/حقوق خانواده/۱۹۲).

شایان ذکر است که این دسته از مؤلفین فقط شرط را باطل دانسته و عقد را صحیح می‌دانند. (شرح قانون مدنی/۹۷۸/۲).

۲-۲- صحت شرط ترک ازدواج مجدد

به نظر برخی مؤلفین حقوقی شرط ترک ازدواج مجدد صحیح است. هدف قانون حمایت خانواده نیز محدود ساختن موارد ازدواج مجدد است و اگر زن و شوهر با قرارداد خصوصی به تحقق این هدف کمک کنند، اشکالی ایجاد نمی‌کند. (مختصر حقوق خانواده/۵۹). از طرفی، شرط عدم ازدواج، تداوم خانواده را پایدار می‌کند و چه بسا در بعضی موارد از خودسری‌ها و هوس‌جویی‌های شوهر کاسته و کانون خانواده را از خطر به‌هم‌پاشیدگی مصون می‌دارد. (شروط باطل و تأثیر آن در عقود/۱۱۴). از نظر نگارندگان نیز باید چنین شرطی را

صحیح دانست. چه آن که به موجب ماده‌ی ۱۱۱۹ قانون مدنی، طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی را که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند. مقتضای عقد نکاح به هیچ وجه تعدد زوجات نمی‌باشد. از طرفی، شرط مزبور جزء هیچ یک از شروط باطل سه‌گانه‌ی مندرج در ماده‌ی ۲۳۲ قانون مدنی نیست. البته، از آنجا که معلوم نیست زوجه تا چند سال زنده است که زوج در آن مدت ازدواج نکند، شرط مزبور مجهول است ولی این جهالت با توجه به این که موجب جهل به عوضین نمی‌شود، به اعتبار آن آسیبی وارد نمی‌سازد. چه آن که معلوم بودن (به علم تفصیلی) از شرایط صحت شرط به‌شمار نمی‌رود. قانون‌گذار شروط باطل غیرمبطل و شروط باطل مبطل را در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ بیان کرده و شرط مجهولی را که موجب جهل به عوضین نشود، در هیچ‌یک از این دو دسته قرار نداده است و نظر به این که در صدد بیان بوده است از سکوت قانون‌گذار استفاده می‌شود که چنین شروطی باطل نیستند.

۳-۲- ضمانت اجرای صحت شرط ترک ازدواج مجدد

مؤلفینی که شرط ترک ازدواج مجدد را صحیح می‌دانند، در ضمانت اجرای آن اختلاف نظر دارند که در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

الف - حق فسخ

به نظر برخی مؤلفین حقوقی زوجه ابتدا باید با توجه به ماده‌ی ۲۳۷ قانون مدنی از طریق دادگاه الزام زوج را به انجام شرط بخواهد و در صورت عدم امکان، حق فسخ نکاح را دارد مگر در مواردی که تخلف از شرط به او حق وکالت در طلاق را بدهد که در این صورت با مراجعه به دادگاه گواهی عدم امکان سازش بگیرد. (حقوق خانواده/۱۹۴). برخی مؤلفین حقوقی به‌عنوان یک قاعده‌ی کلی و با قطع نظر از عقد ازدواج، ضمانت اجرای تخلف از شرط فعل منفی حقوقی را ایجاد حق فسخ برای مشروط له می‌دانند. (شروط ضمن عقد/۱۵۰؛ حقوق مدنی (اموال و مالکیت/۹۰) چه آن که می‌نویسند: «هرگاه شرط فعل منفی، انجام ندادن یک عمل حقوقی مثل نفروختن زمین یا اجاره ندادن ساختمان باشد و مشروط علیه بر خلاف شرط عمل کند، معامله مزبور باطل نیست اما چون عدم فروش یا اجرا به سود مشروط له حقی را ایجاد کرده و او معامله مشروط را با لحاظ شرط فعل منفی انشا کرده است، در صورت تخلف شرط می‌تواند معامله را فسخ کند.» (شروط ضمن عقد/۱۵۰).

در پاسخ می‌توان گفت گرچه ضمانت اجرای تخلف از شرط فعل، صفت و نتیجه در سایر عقود پیدایش حق فسخ برای مشروط له می‌باشد؛ اما در عقد نکاح این ضمانت اجرا فقط در مورد شرط صفت پذیرفته شده است. (ماده‌ی ۱۱۲۸ قانون مدنی). و نمی‌توان به قیاس شرط صفت در صورت تخلف از شرط فعل نیز قائل به حق فسخ شد. (دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده/۱۹۱).

ب- مطالبه‌ی خسارت

به نظر برخی مؤلفین حقوقی در صورت تخلف شوهر از شرط ترک ازدواج مجدد تنها حقی که برای زوجه به وجود می‌آید، مطالبه خسارت است. (مختصر حقوق خانواده/۵۹). در نقد نظر مزبور می‌توان گفت که با ازدواج مجدد شوهر چه خسارتی به زوجه وارد می‌شود که بخواهد آن را مطالبه کند. در واقع، با فرض این ضمانت اجرا وجود شرط در عمل لغو و زائد خواهد بود. البته، ممکن است منظور از خسارت، خسارت معنوی باشد که قابل مطالبه بودن آن در وضعیت فعلی در حاله‌ای از ابهام است. (برای مطالعه‌ی تفصیلی در خصوص قابل مطالبه بودن خسارت معنوی ر.ک: جبران خسارت معنوی در حقوق ایران/۴۸ - ۳۲).

ج - الزام زوج به طلاق همسر دوم

به نظر نگارندگان در جمع بین حق زوجه اول و دوم باید ازدواج مجدد را صحیح دانست نه باطل و یا غیرنافذ. لیکن زوجه حق دارد در مقام اجرای شرط، شوهر را ملزم به طلاق همسر دوم کند که در این صورت بر حسب انجام عمل زناشویی و عدم انجام آن، شوهر باید تمام و یا نصف مهرالمسمی را به همسر دوم بپردازد. چنان‌که در بررسی فقهی موضوع نیز ذکر شد برخی فقیهان چنین حقی را برای زوجه قائل هستند. (الفقه/۶۷/۶۹). نظر به این‌که فسخ نکاح جنبه‌ی استثنایی داشته و باید محدود به تخلف از شرط صفت شود، بطلان نکاح نیز برخلاف اصل صحت است و مطالبه خسارت نیز عملاً منتفی می‌باشد، فقدان ضمانت اجرا نیز مستلزم لغو بودن شرط می‌شود، بهترین ضمانت اجرا برای اجرای شرط، الزام شوهر به طلاق همسر دوم است.

نتیجه‌گیری

در فقه اسلامی تعدد زوجات برای شوهر پذیرفته شده است که این امر در حقوق ایران نیز به پیروی از فقه مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته است. (ماده‌ی ۹۴۲ قانون مدنی). از این رو، اگر زوجه در هنگام ازدواج در ضمن عقد شرط کند که شوهر ازدواج مجدد نکند، صحت چنین شرطی مورد تردید می‌باشد. برخی فقیهان چنین شرطی را به دلایلی چون عدم موافقت با شرع، مخالفت با شرع، عدم وجود مصلحت در چنین شروطی و روایات خاص باطل می‌دانند. اما بطلان شرط را موجب بطلان عقد نکاح نمی‌دانند. لکن هیچ از ادله مذکور در فوق کافی برای اثبات مدعای آن‌ها نیست. برخی از مؤلفین حقوقی نیز شرط ترک ازدواج مجدد را به دلیل مخالفت با قواعد آمره، سلب اجرای حق به‌طور کلی و روایات خاص وارده در فقه باطل می‌دانند. از نظر این گروه نیز تنها شرط باطل بوده و موجب بطلان عقد نکاح نخواهد بود. ادله‌ی این گروه نیز صحیح نیست زیرا چنین شرطی مخالف قواعد آمره نبوده و سلب اجرای حق به‌طور کلی محسوب نمی‌شود. روایات ادعا شده نیز دلالتی بر مدعای آن‌ها ندارد.

در مقابل، چنان‌که برخی فقیهان نیز گفته‌اند شرط عدم ازدواج مجدد با استناد به عموماتی چون المؤمنون عند شروطهم و روایات خاصی که در این خصوص وارد شده و شوهر را ملزم به وفا به چنین شرطی می‌دانند، صحیح است. در حقوق موضوعه ایران نیز نظر به این‌که در شرط عدم ازدواج مجدد سلب حق اجرا برای مدت زمانی است که نکاح زوجه باقی است و نه برای همیشه و بعد از انحلال نکاح، سلب حق به صورت جزئی بوده و نه کلی و با توجه به این‌که جزء شروط باطل سه‌گانه‌ی مندرج در ماده‌ی ۲۳۲ قانون مدنی نمی‌باشد، به استناد ماده‌ی ۱۱۱۹ قانون مدنی باید شرط مزبور را صحیح دانست. به‌موجب ماده‌ی مزبور، طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی را که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند.

طرف‌داران صحت شرط ترک ازدواج مجدد در خصوص ضمانت اجرای تخلف از آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند. برخی ازدواج دوم را باطل می‌دانند. برخی آن را صحیح دانسته ولی معتقدند برای زوجه اول حق فسخ نکاح به‌وجود می‌آید. به نظر برخی مؤلفین زوج می‌تواند خسارت بگیرد. به نظر نگارندگان در مقام جمع بین حق زوجه‌ی اول و دوم باید ازدواج دوم را صحیح دانست اما زوجه‌ی اول می‌تواند شوهر را ملزم به طلاق همسر دوم کند.

منابع

- ۱- ابن حمزه طوسی محمد بن علی طوسی، *الوسيله الى نبيل الفضيله*، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
- ۲- ابن ضویان ابراهیم بن محمد بن سالم، *منار السبیل*، ج ۲، چ ۷، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- ۳- ابن قدامه، *المغنی*، مطبعه الامام، مصر، ج ۷.
- ۴- ابن قدامه عبد الرحمن، *الشرح الكبير*، ج ۷، دارالکتب العربی للنشر و التوزیع، بی جا، بی تا.
- ۵- اشکوری سید ابوالقاسم، *بغیه الطالب (تعلیقه بر مکاسب)*، تهران، ۱۳۲۲.
- ۶- اصغری آقمشهدی فخرالدین، *جبران خسارت معنوی در حقوق ایران*، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
- ۷- امامی سیدحسن، *حقوق مدنی*، ج ۴، چ ۲، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۸- انصاری مرتضی، *مکاسب* (یک جلدی)، چ ۲، تبریز، اطلاعات، ۱۳۷۵ق.
- ۹- آل کاشف الغطاء محمد حسین، *تحریرالمجله*، قم، فیروزآبادی، بی تا.
- ۱۰- بخاری ابوعبدالله، *الصحيح*، دارالقلم، بیروت.
- ۱۱- حائری شاهباغ، سید علی، *شرح قانون مدنی*، ج ۲، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶.
- ۱۲- الحجاوی شرف الدین موسی بن احمد بن موسی، *زاد المستقنع فی اختصار المقنع*، ج ۱، ریاض، دار الوطن للنشر.
- ۱۳- حسینی روحانی، سید محمد صادق، *فقه الصادق*، ج ۲۲، چ ۳، قم، مؤسسه دارالکتب، ۱۴۱۴ق.
- ۱۴- حسینی شیرازی سید محمد، *الفقه*، ج ۶۷، چ ۲، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۰۹ق.
- ۱۵- حکیم، سید محسن، *مستمسک العروه الوثقی*، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ۱۶- حکیم سید محسن، *منهاج الصالحین (با حاشیه محمدباقر صدر)*، نجف، مطبعه الاداب، بی تا.
- ۱۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چ ۲، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۸- _____، *حقوق خانواده*، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۸.
- ۱۹- خوانساری، احمد، *جامع المدارک*، ج ۴، چ ۲، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴.
- ۲۰- خوانساری، موسی، *منیه الطالب (تقریرات میسرزای نائینی)*، ج ۲، مطبعه المرتضویه، نجف، ۱۳۸۵ق.
- ۲۱- خویی، سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، ج ۲، چ ۱۸، ۱۴۱۰ق.
- ۲۲- سیدی علوی، سید حسین، *شرط عدم ازدواج مجدد در ضمن عقد زناشویی*، فصلنامه مطالعات اسلامی، ش ۶۱، ۱۳۸۲.
- ۲۳- شهید ثانی (زین الدین العاملی)، *شرح لمعه*، ج ۵، بیروت، دار العالم الاسلامی، بی تا.
- ۲۴- شهیدی، مهدی، *شرط ضمن عقد*، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۶.
- ۲۵- صانعی، یوسف، *استفتائات قضایی*، ج ۲، ۱۳۸۴.

- ۲۶- صفایی، سید حسین، **دوره حقوق مدنی**، ج ۲، مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱.
- ۲۷- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، **مختصر حقوق خانواده**، ج ۲، دادگستر، ۱۳۷۸.
- ۲۸- عاملی، شیخ حر، **وسائل الشیعه**، ج ۱۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲۹- علامه حلی، حسن یوسف مطهر، **قواعد الاحکام**، قم، رضی، بی تا.
- ۳۰- علامه، سید مهدی، **شروط باطل و تأثیر آن در عقود**، مانی، ۱۳۷۵.
- ۳۱- فاضل لنکرانی، محمد، **تفصیل الشریعه، کتاب النکاح**، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار، ۱۴۲۱ق.
- ۳۲- طوسی ابوجعفر، **النهایه**، قم، قدس.
- ۳۳- طوسی، ابوجعفر، **الاستبصار**، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- ۳۴- کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی اموال و مالکیت**، شفق، ۱۳۷۴.
- ۳۵- _____، **حقوق مدنی (خانواده)**، ج ۱، ج ۳، انتشار، ۱۳۷۱.
- ۳۶- _____، **دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده**، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۵.
- ۳۷- _____، **قواعد عمومی قراردادها**، ج ۳، ج ۲، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- ۳۸- کریستین سن و آرتور امانوئل، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه ی یاسمی رشید، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۲.
- ۳۹- محقق حلی (ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن)، **شرایع الاسلام**، ج ۲، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق.
- ۴۰- محقق کرکی، **جامع المقاصد**، ج ۱۳، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.
- ۴۱- المقدسی موفق الدین ابن قدامه، **الکافی فی فقه ابن حنبل**، ج ۳.
- ۴۲- مطهری مرتضی، **نظام حقوق زن در اسلام**، ج ۸، تهران، صدرا، ۱۳۵۷.
- ۴۳- موسوی بجنوردی، سید محمد، **شروط ترک ازدواج مجدد در ضمن عقد نکاح**، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۱۱، ۱۳۷۳.
- ۴۴- موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن، **القواعد الفقهیه**، ج ۳، ج ۲، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۱.
- ۴۵- موسوی خمینی، سید روح الله، **البیع**، ج ۵، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- ۴۶- _____، **تحریر الوسیله**، ج ۱، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- ۴۷- میرزای قمی، ابوالقاسم، **جامع الشتات**، ج ۳، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
- ۴۸- نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، ج ۳۱، ج ۲، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۴۹- نراقی، ملا احمد، **عوائد الایام**، ج ۳، قم، بصیرتی، ۱۴۰۷ق.
- ۵۰- نوری طبرسی میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۳ و ۱۵، ج ۲، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- ۵۱- ویل دورانت، **تاریخ تمدن**، ترجمه ی آرام، احمد، پاشایی، علی و آریان پور، امیر، ج ۳، سازمان انتشارات آموزش و پرورش، ۱۳۷۰.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی